



22 فبروری 2016

داکتر سید عبدالله کاظم

مکتی بر معضله پشتونستان - داؤد خان و روابط با پاکستان (قسمت سوم)

متن تصویب و فیصله لویه جرگه سال 1334

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العلمين و الصلوة و السلام على خير خلقه محمد و آله و اصحابه اجمعين

به توفيق خدای دانا و توانا و به دعای طول عمر المتوکل علی الله اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و به سعادت و بخت یاری افغانستان، لویه جرگه یعنی مجلس بزرگ ملی که به پیشنهاد شاغلی سردار محمد داؤد صدراعظم و اراده سنیة اعلیحضرت معظم همایونی المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه در مرکز مملکت اجتماع نمود.

بتاریخ 22 عقرب 1334 ساعت 2 و 30 دقیقه بعد از ظهر در تالار قصر استور به تلاوت قرآن کریم و نطق شاهانه که رئیس مجلس بزرگ ملی می باشند، افتتاح گردید و به سببیکه ذات ملوکانه در تمام جلسات لویه جرگه حضور بهمرسانیده نمی توانستند، به شاغلی محمد نوروز رئیس دوره نهم شورای ملی امر فرمودند که مجلس را به انتخاب یکنفر نائب رئیس دعوت نماید.

هنگامیکه اعلیحضرت معظم همایونی از سالون اجتماع لویه جرگه تشریف فرما گردیدند، حسب الامر او الامر معظم مجلس به انتخاب نائب رئیس دعوت شد و در نتیجه شاغلی محمد گل مهمند وکیل نرنگ و بادیل ولایت مشرقی به نیابت ریاست مجلس لویه جرگه منتخب گردید.

سپس به اجازه شاغلی نائب رئیس شاغلی صدراعظم بیانات مفصل خود را در موضوع حقوق مردم پشتونستان بحضور مجلس قرائت نمود و خاطر نشان ساخت که حکومت افغانستان در مدت هشت سال سعی و کوشش نمود تا از راه مفاهمه دوستانه اهمیت موضوع را به زمامداران پاکستان حالی سازد و برای حل مسالمت جویانه آن به فیصله برسد. متأسفانه که تماماً مساعی حکومت افغانستان بجائی نرسید، بلکه آخرین نتیجه آن ادغام جبری خاک پشتونستان در یونت غربی پاکستان گردید.

با این اقدام خود زمامداران پاکستان ثابت ساختند که تصمیم [اتخاذ] نموده اند برخلاف میل و آرزوی ملت پشتونستان شخصیت ملی و حقوقی آن قوم را برای همیشه از بین برده و علاقه های آن را برخلاف میل آن مردم جزء پاکستان بسازند. از طرف دیگر با کمکهای نظامی و اقتصادی که به پاکستان از طرف بعضی ممالک بزرگ بعمل آمده و می آید، بکلی موازنه قوا را درین قسمت آسیا برهم زده و خطرات مدهشی را برای امروز و آینده افغانستان تولید کرده است، چنانچه همین تقویة نظامی به پاکستان موقع داده است تا از راه جبر و ظلم بیشتری حقوق مردم پشتونستان را پایمال ساخته و برای نابودی و امحای آنها قدم های درشت و سنگین بردارند.

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلېکنډي د ليکنيزي بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

شاغلی صدراعظم بعد از دادن توضیحات مفصل اظهار نمود که بنده به حیث خدمتگار قوم وظیفه وجدانی و ملی خود میدانم: حقایق و خطراتی را که افغانستان به آن مواجه شدنی است، به اطلاع نمایندگان محترم ملت برسانم و با کمال وضاحت روشن بسازم که درین موقع مهم و تاریخی دو نقطه بارز برای فیصله نزد حکومت و ملت افغانستان عرض وجود میکند:

1 - آیا حکومت افغانستان صدای تظلم و ندای مصرانه مردم پشتونستان را مربوط حمایت حقوق مسلم آن برادران خون شریک خود لیبیک بگوید و حقوق مشروع و مسلم شانرا حمایه کند، یا نه؟

2 - چون موازنه قوا با کمک تسلیحاتی که با پاکستان کرده شده و میشود، در این منطقه کاملاً بهم خورده، آیا حکومت افغانستان برای بقا و محافظه شرافت ملی خود بغرض تقویه دفاعی مملکت اقدام نماید، یا خیر؟

بعد از شنیدن بیانات شاغلی صدراعظم اعضای لویه جرگه با اجازه شاغلی نایب رئیس به مذاکرات و اظهار نظر پرداختند و از روز اول انعقاد مجلس تا روز سوم که 24 عقرب است، سه روز متوالی با حضور 271 نفر وکلاء ملت در اطراف پیشنهاد حکومت بحث و مذاقه بعمل آمد و بعضی از نمایندگان ملت از نزد شاغلی صدراعظم سوالاتی نمودند و جوابات قناعت بخش گرفتند.

بتاریخ 26 عقرب لویه جرگه باز تحت ریاست نایب رئیس انعقاد یافت و بعد از مذاکرات و بیانات و پرسشات وکلا و توضیحات شاغلی صدراعظم و سائر اعضاء حکومت کمسیونی از طرف لویه جرگه تعیین گردید تا فیصله آخری لویه جرگه را تسوید و به مجلس عمومی حاضر دارند و به تاریخ 27 عقرب مجلس لویه جرگه مکرراً طبق معمول تشکیل جلسه داد و به اتفاق آراء باین نتیجه رسید:

1 - حمایت حق تعیین سرنوشت مردم پشتونستان که برادران همکیش و همنژاد ما هستند، بنا بر درخواست عامه توده مردم پشتونستان وظیفه ملت و حکومت افغانستان است بناءً علیها لویه جرگه بحکومت توصیه میکند که مطابق ایجابات اوامر شرعی و اشتراک تاریخ و عرق و کلتور از درخواست عامه مردم پشتونستان برای حق تعیین سرنوشت آنها حمایت نمایند.

2 - نظر به سیاست موجوده حکومت پاکستان مخصوصاً بهم خوردن توازن قوا درین منطقه که در اثر گرفتن کهمک [کمک]های نظامی از ممالک بزرگ از طرف پاکستان بوجود آمده، اضرار اراده سوء و اقدامات خطرناک پاکستان به افغانستان نیز متوجه گردیده است، پس در چنین موقع پرخطر وظیفه حکومت است مملکت را نظر بفریضة حفاظت استقلال و تمامیت ملی تقویه کند.

بناءً علیه لویه جرگه بملاحظه ایجابات و ضرورت وقت حکومت را توصیه میکند تا بهر گونه طرق و وسایل که ممکن باشد و بهر قسمیکه بصورت شرافتمندانه که میسر شود، مملکت را بغرض دفاع مجهز و تقویه نماید.

3 - لویه جرگه به نمایندگی از ملت افغانستان اعلام میدارد که بهیچ وجه صورت علاقه های پشتونستان را برخلاف میل و آرزوی خود ملت پشتونستان جزء خاک پاکستان ندانسته و درین مورد تصویب نمبر 72 تاریخی 23 میزان 1334 مجلسین شورای ملی و اعیان را تأیید و تصدیق مینماید.

درخاتمه لویه جرگه به پشتیبانی هر سه مقصد فوق آمادگی ملت را بحکومت وعده و اطمینان میدهد. و من الله التوفیق و علیه التکلان. (پایان متن تصویب و فیصله لویه جرگه سال 1334)

به ملاحظه محتوای فقره شماره 3 "تصویب و فیصله لویه جرگه" که در فوق ذکر شد، موضوع به یک تصویب دیگر تحت شماره 72 تاریخی 23 میزان 1334 مجلسین شورای ملی و اعیان رویت داده شده است که خوشبختانه بازهم این سند را در آرشیف خود پیدا کردم، آنهم در کتاب "آئینه شورا" تألیف محمد محسن صابر هروی (در دو جلد) که در سال 1386 بوسیله ریاست اطلاعات عامه ولسی جرگه در کابل چاپ شده است. جلد اول کتاب که حاوی رویدادهای مختصر شورای ملی از دوره اول تا دوره نهم (از 1310 تا 1336) را دربرمیگیرد، به استناد سالنامه 1334 در تصویب مورد نظر چنین آمده است (عین متن مندرج صفحه 260 تا 262 کتاب مذکور):

اجمال جلسه فوق العاده مجلسین شورای ملی و اعیان در مورد مسئله پشتونستان

بتاریخ روز دوشنبه 23 میزان 1334 در حالیکه وکلای شورای ملی و اعیان با روسای مجلسین محمد نوروز خان رئیس شورا و فضل احمد خان مجددی رئیس اعیان حضور داشتند، در اثر اعلامیه یک شب قبل از دارالانشای شورای ملی در قصر سلامخانه جلسه فوق العاده تشکیل دادند.

بساعت 11 قبل از ظهر شاغلی سردار محمد داؤد صدراعظم با هیأت کابینه به اجازه مجلسین داخل مجلس گردیده به اجازه شاغلی رئیس شورای ملی قضایای تاریخی پشتونستان را با تمام اجراءات دیپلوماسی و سیاست حکومت افغانستان که اخیراً در راه تدمین حقوق مردم پشتونستان و تعیین سرنوشت آنها طبق آرای عام خود پشتونستانی ها اتخاذ نموده بود، با اقدامات غیرقانونی تجاوز کارانه حکومت پاکستان مخصوصاً اقدامات اخیر آن که خاک پشتونستان را بدون مراجعه به آرای عامه و رضایت مردم پشتونستان در یونت غربی پاکستان مدغم کرده است، به مجلس مفصلاً گزارش و نظریه مجلسین را نسبت به خط مشی و تعقیب سیاست آینده افغانستان در مسئله پشتونستان خواستار شد که بعد از استماع راپور شاغلی صدراعظم مجلس به اتفاق آراء چنین تصویب کرد:

فیصله مجلسین مختلط شورای ملی و اعیان در مورد مسئله پشتونستان

مورخ 23 میزان 1334

1- اقداماتی که حکومت افغانستان تا امروز در مسئله پشتونستان به عمل آورده کاملاً موافق بروی تصویبی است که قبلاً به تاریخ 10 سرطان 1328 از طرف شورای ملی افغانستان اعلان گردیده و به آرزو و آمال ملت توافق کامل دارد.

2 - امروز حکومت پاکستان خلاف عدالت بشری و مغایر منشور ملل متحد به حقوق میلیون ها مردم پشتونستان دست تخطی دراز کرده و بدون مراجعت به آرای عامه سرنوشت اهالی پشتونستان را جبراً با یونت پاکستان غربی مربوط میگرداند، تجاوز سریع دانسته، تقبیح میکند و یک بار دیگر اعلام میکند که ملت افغانستان به هیچ صورت خاک پشتونستان را بدون رأی آزاد خود اهالی آنجا جزء خاک پاکستان نشناخته و نمی شناسد.

3 - ارتباط ملت افغانستان با مردم پشتونستان از نقطه نظر دین، تاریخ، کلتور، نژاد و یک رشته قوی و ناگسستی بوده و هیچ قدرتی به یاری خداوند این میلان طبیعی و علائق لاینقطع را از بین برده نمی تواند، اینست که پشتیبانی خود را از حقوق حقه آنها یکبار دیگر تائید می کند.

لهذا مجلسین شورای ملی و اعیان به نمایندگی از تمنیات عموم طبقات ملت افغانستان سیاست حکومت شاغلی سردار محمد داؤد صدراعظم افغانستان را در مورد پشتونستان با اعتماد کامل تائید و پشتیبانی

د پانو شمیره: له 3 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

خود را نسبت به هر اقدام که برای رسیدن به این هدف ملی از طرف حکومت مقتضی دیده شود، اظهار میدارند. (پایان فیصله مجلسین)

اکنون باز هم یک قدم به عقب باید رفت و دید که فقره شماره (1) فیصله شورای ملی مورخ 10 سرطان 1328 (مطابق 30 جون 1949) از چه قرار بوده که مجلسین شورای ملی و اعیان به آن اشاره نموده است. برای شرح این موضوع لازم است تا به بررسی مختصر بعضی رویداد های مهم پس از تشکیل پاکستان پرداخت:

در 15 اگست 1947 دولت پاکستان تأسیس شد و اما انگلیس تا سال بعد اداره مستقیم سرحدات آزاد و بلوچستان را در اختیار داشت. در حالیکه انگلیس در سال 1950 پاکستان را وارث خویش در آن طرف دیورند اعلام نمود و مقارن به همین وقت ایالات متحده امریکا خط دیورند را به حیث سرحد بین المللی بین افغانستان و پاکستان شناخت که در اینصورت قبایل آزاد و بلوچستان شامل خاک پاکستان تلقی شد. حکومت افغانستان از مدت تقریباً پنج سال (از 1943 تا 1947) که مقدمات تقسیم نیم قاره بین هند و پاکستان مطرح بحث بود، ادعای جدی در مورد آینده سرزمین های پشتون آن طرف خط دیورند به زبان نیاورد و در موضوع ریفراندمی که به این منظور رویدست گرفته شد، موضوع به نحوی پیش رفت که در جوار صندوق پاکستان قرآن مجید را و در جوار صندوق هندوستان کتاب "گرنگ" را گذاشتند. لذا به مردم پشتونستان این حق را ندادند تا در این ریفراندم در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرند که میخواهند زیر سلطه پاکستان باشند، یا برای خود یک دولت مستقل را تشکیل نمایند و یا اینکه خواستار پیوستن با برادران خود در افغانستان شوند. انگلیس ها احساسات مسلمانان هند و نیز پشتونهای ماورای دیورند و بلوچ ها را به بازی گرفتند و پشتونها البته با فیصدی کم در این ریفراندم اشتراک کردند و به حرمت کلام الله مجید به نفع پاکستان رأی دادند.

دولت افغانستان بعد از انجام ریفراندم ملاحظات خود را با پاکستان مطرح کرد، و قتیکه کار از کار گذشته بود. اولین عکس العمل حکومت افغانستان وقتی بروز کرد که موضوع عضویت پاکستان در ملل متحد مطرح شد، آنوقت نماینده دائمی افغانستان عبدالحسین خان عزیز در موضوع رأی منفی داد. اگرچه متعاقباً زیر فشار های وارده از هر طرف رأی منفی را برگرفت، اما مخالفت بین افغانستان و پاکستان از همانجا آغاز گردید.

در همین موقع مردم پشتونستان آرام نگرفتند و به احتجاج پرداختند. در 21 جون 1947 به تعقیب اعلامیه انگلیس مبنی بر تخلیه هند، در "بنو" جرگه عظیمی را برپا نمودند که در آن نمایندگان تمام پشتونستان اعم از آزاد، محکوم و بلوچستان به شمول احزاب خدائی خدمتگاران، جمعیت العلمای سرحد و زلمی پشتون شرکت کردند و فیصله نمودند که: «پشتونها نه هند میخواهند و نه پاکستان، بلکه میخواهند درین کشور یک حکومت آزاد پشتون براساس جمهوریت اسلامی تشکیل شود». در همین حال تعداد کثیر جوانان زلمی پشتون (بیش از 20 هزار نفر) حاضر شدند برای این هدف جانهای خود را فدا کنند، لاکن خان عبدالغفار خان به تاسی از سیاست عدم خشونت گاندی مانع آنان شد.

روز نهم سنبله 1327 (مطابق 30 اگست 1948) اولین جرگه عمومی و مهم قبایل مومند، صافی آزاد، چارسنگ، شموزائی، افریدی، اورکزائی، شینوار، لوارگی، شلمان، وزیر، مسعود (میسود) در "چهار سده" دائر گردید و آنها معاهده مهم اتحاد ملی و تشکیل پشتونستان را اعلام نمودند. در این

جلسه میرزا علی خان مشهور به فقیر ایبی به حیث رئیس انتخاب شد که مشی خود را طی سه ماده چنین بیان کرد:

«1 - از حکومت پاکستان مطالبه میکنیم که تمامیت و استقلال پشتونستان خاک هفت ملیون افغان را از راه صلاح و امن اعتراف کند و از امروز تمام مامورین و ایجنت های ملکی و لشکری خود را امر کند به صورت فوری از تمام نقاط پشتونستان بیرون روند. اگر چنین نکنند، مسئولیت عواقب وخیمی که در اثر این لجاجت حکومت پاکستان واقع شدنی است، هم نزد خدا و هم نزد مؤسسه ملل متحد بدوش حکومت پاکستان خواهد بود.»

2 - چون وسایل نشراتی ما ناقص است از دولت برادر خود افغانستان که همواره با پشتونستان همدردی صمیمی دارند، خواهشمندیم اطلاعات و پروگرام ما را مربوط به پشتونستان درجراید و رادیوی افغانستان نشر کنند. [به این اساس پروگرام "دا پشتونستان زمونر" از طریق رادیو کابل بعداً رادیو افغانستان به نشرات آغاز کرد. بعضی ها فکر میکنند که شعار "دا پشتونستان زمونر" ادعای افغانستان را معنی میدهد، درحالیکه چنین نبود بلکه آواز و ندای مردم پشتونستان را بیان میکرد - کاظم]

3 - از مؤسسه ملل متحد و مراکز عدالت پسند دنیا خواهشمندیم پشتونستان را بحیث یک مملکت آزاد و یک عضو حساس خود بشناسد و حکومت پاکستان را مجبور سازند تا به تمامیت و آزادی خاک پشتونستان اعتراف کند.» (برای شرح مزید در این باره دیده شود: "آیا پشتونستان هنوز هم یک داعیه است؟"، نوشته: داکتر مهدی که نخست در نشریه "همبستگی" و بعد در نشریه "میزان" - سال پنجم شماره 68، مورخ 20 حوت 1379 مطابق 11 مارچ 2001، چاپ دهلی چاپ شده است)

به استقبال از این اعلامیه و متعاقب بمبارد منطقه "مغلی" در پکتیا که بوسیله طیارات پاکستانی صورت گرفت (قبلاً درباره توضیحاتی ارائه شد)، در اوایل سرطان 1328 در شهر جلال آباد جرگه بزرگی با شرکت تعدادی از نمایندگان دولت، مردم پشتونستان و مردم افغانستان دائر شد و اما آنها در شعارهای خود پا فراتر گذاشتند و اعلام کردند که «خط مرده دیورند» را قبول ندارند. به تاسی از این اعلامیه، شورای ملی (دوره هفتم) بتاريخ 10 سرطان 1328 (مطابق 30 جون 1949) مهر تائید بر این ادعا گذاشت و معاهده دیورند را فاقد اعتبار دانست. این همان فیصله است که بعدها در اذهان عامه و حتی بسیاری از سیاسیون و دولتمردان افغان تا امروز در ارتباط برسمیت نشناختن خط دیورند مورد استناد قرار میگردد، درحالیکه این داعیه درلویه جرگه 1334 که مشخص بر موضوع پشتونستان دائر گردیده بود، مطرح نشد و شامل تصویب و فیصله نامه آن نگردید و فقط در فیصله نامه شورای ملی مورخ 23 میزان همان سال ضمناً تذکر یافت. اینجانب هرچند کوشید متن مصوبه شورای ملی مورخ 10 سرطان 1328 در راستای بی اعتبار بودن کلیه معاهدات قبلی بین افغانستان و دولت هند برتانوی به شمول معاهده دیورند و تائید اعلامیه جرگه جلال آباد را پیدا کند، متأسفانه موفق به آن نشد.

در اینجا باید خاطر نشان کرد که فیصله فوق الذکر شورای ملی بطورکل بر مبنای دلایل ذیل استوار بود: - تحمیلی بودن معاهدات گذشته، - جانشین نبودن دولت پاکستان و نداشتن امتیاز آن دولت از مزایای "حقوق جانشینی"، - و عدم موجودیت دولتی بنام پاکستان در زمان امضای معاهدات قبلی.

در این مورد بعضی ها از جمله محمد اکرام اندیشمند - مؤلف کتاب "ما و پاکستان" به این نظر اند که تصویب همچو موضوع از طرف شورای ملی خارج از صلاحیت آن شورا بوده و در هیچ یک از

37 ماده (از ماده 40 تا ماده 66) مربوط به وظایف و صلاحیت های شورای ملی مندرج قانون اساسی سال 1309 که تا سال 1343 نافذ بود، الغای معاهدات دولت های گذشته افغانستان با دول و ممالک خارج تذکار نیافته است، چنانکه اندیشمند می نویسد: «در ماده 46 اصول اساسی دولت علیه افغانستان (قانون اساسی 1309) وظیفه و صلاحیت شورای ملی در مورد عقد معاهدات اینگونه تبیین میشود: "عقد مقاولات و معاهدات، اعطای امتیازات (انحصار) اعم از تجارتي و صنعتی و فلاحتی و غیره خواه از طرف داخله باشد یا خارجه بتصویب شورای ملی میرسد."» از این گفته برمی آید که در مورد صلاحیت الغای همچومعاهدات به وسیله شورای ملی در قانون اساسی آنوقت هیچ تذکری داده نشده است. (برای شرح مزید دیده شود: اندیشمند، محمد اکرام: "ما و پاکستان"، چاپ دوم، کابل، 2009، صفحه 172 تا 175)

با وجود همچو مصوبه و اعلام الغای معاهده دیورند از طرف شورای ملی، بازهم دولت افغانستان خواست تا موضوع را به حیث یک ادعای ارضی و به عبارت دیگر بطلان خط دیورند پیش ببرد، بلکه دولت در مطرح ساختن حق تعیین سرنوشت و خود مختاری قبایل آزاد یعنی آنهائیکه بین خط دیورند و "سرحد اداری" مسکون بودند، تلاش میکرد. اما حکومت پاکستان از اوضاع استفاده کرده به سرعت جرگه بزرگ "چهار سده" را درهم کوبید و رهبران سیاسی را به زندان افگند و تمام فشار خود را برای حذف هویت پشتونستان محکوم یعنی "شرق سرحد اداری" وارد نمود و پشتونهای وفادار به پاکستان را به مقامهای بالا تا ریاست جمهوری ارتقا داد (مارشال ایوب و غلام اسحق خان را تا ریاست جمهوری، حمیدگل و نصیرالله بابر را تا ریاست آی اس آی، گوهر ایوب، آصف احمد علی و سرتاج عزیز را تا وزارت خارجه و تعداد دیگر را به مقامهای بلند نظامی رسانید) و نیز از شجاعت ذاتی پشتونها در جنگ علیه هند استفاده فراوان کرد، چنانکه بخشی از کشمیر را که اکنون در تصرف پاکستان است، با قوای داوطلب پشتون ضمیمه خاک خود ساخت.

مردم بلوچ از اینکه حکومت افغانستان تأکید خود را بیشتر به حق تعیین سرنوشت مردم پشتونستان معطوف کرده بود و از حقوق بلوچ ها کمتر یادآوری میکرد، گلایه داشتند، بخصوص زمانیکه قیام بلوچ ها کسب شدت و مارشال ایوب خان آنرا با بیرحمی سرکوب نمود، این گلایه ها بیشتر شد. همان بود که حکومت افغانستان سردار محمد نعیم وزیر خارجه را در ماه جنوری 1960 به پاکستان اعزام کرد، اما بجای اینکه چنین مذاکرات به نتیجه برسد، برعکس مارشال ایوب رئیس جمهور پاکستان که به پشتو صحبت میکرد با ابراز این مطلب که گویا اردوی پاکستان این قدرت را دارد که در ظرف چند ساعت کابل را اشغال کند، فضای مذاکره را به بن بست کشانید و حتی منظور قادر وزیر خارجه وقت پاکستان بعداً بیان داشت که: «چون دو سوم پشتونها در پاکستان ماوا دارند و فقط یک سوم در افغانستان بسر می برند، برای اقلیت معقول تر خواهد بود که به اکثریت ملحق شوند.» (اندیشمند: "ما و پاکستان"، ... صفحه 243، برگرفته از کتاب: "تاریخ روابط خارجی پاکستان" صفحه 99)

در ادامه همین کشیدگی ها بتاريخ 13 اگست 1960 دو طیاره پاکستانی وارد فضای افغانستان شدند که توسط طیارات جنگی افغانستان مجبور به نشست در میدان هوایی قندهار گردیدند. با آنکه یک ماه بعد طیاره ها با معذرت خواهی حکومت پاکستان به دلیل اشتباه پیلوتها دوباره به پاکستان مسترد شدند، اما روابط بین دو کشور پس از بروز شورش پشتونها و بلوچ ها در حواشی سرحدات افغانستان علیه حکومت پاکستان رو به تیره شدن گذاشت، زیرا حکومت پاکستان انگیزه شورش ها را به حکومت افغانستان نسبت میداد و حکومت افغانستان آنرا تردید میکرد. در همین احوال در 6 جون 1961

د پانوی شمیره: له 6 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لوی

محمد داؤد پاکستان را متهم به بمبارد مناطق سرحدی افغانستان کرد و ادعا نمود که حکومت پاکستان بیش از هزار تن مبارزان پشتون را به زندان افکنده است و نیز اینکه حکومت پاکستان بر ورود کوچی های افغان به پاکستان قیود ویژه را وضع کرد، شکایت داشت. در قبال این رویداد ها تبلیغات سوء بین دو کشور به اوج خود رسید و در نتیجه پاکستان بتاريخ 23 آگست 1961 قنسلگری های افغانستان را در آن کشور مسدود کرد و اعلام نمود که توافقات ترانزیتی را با افغانستان لغو میکند. این عوامل موجب شد که محمد داؤد صدراعظم افغانستان از پاکستان تقاضا کند تا در ظرف یک ماه قنسلگری های افغانستان در آن کشور را مجدداً باز کند، در غیر آن روابط سیاسی بین دو کشور را قطع خواهد کرد. متأسفانه وضع دوام یافت و سردار محمد داؤد پس از برگشت از کنفرانس کشورهای غیرمنسلک منعقد بلگراد تصمیم خود را مبنی بر قطع روابط سیاسی با پاکستان بتاريخ 6 سپتمبر 1961 اعلام نمود که این تصمیم او نه تنها در حل معضله کمک نکرد، بلکه افغانستان را در یک موقف دشوار بخصوص از ناحیه ترانزیت اموال تجارتي قرار داد که به نظر بعضی ها مشکلات ناشی از این تصمیم در استعفی محمد داؤد از مقام صدارت نقش داشت.

(ادامه در قسمت چهارم: روابط با پاکستان بعد از کودتای 26 سرطان)